



## Analyzing the Position of Women in the Novel *Bread on the Table of Al-Khal Milad* by Mohammad Al-Naas Based on the Frankfurt School of Critical Aesthetics

Chiman Mohammadi Bytambar<sup>1</sup> | Mohammad Nabi Ahmadi<sup>2</sup>

1. PhD Candidate of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran. Email: [ch.mohammadi@razi.ac.ir](mailto:ch.mohammadi@razi.ac.ir)

2. Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran. Email: [mnabiahmadi@razi.ac.ir](mailto:mnabiahmadi@razi.ac.ir)

### Article Info

**Research Type:**  
Research Article

Received:  
05 July 2023  
Received in revised form:  
17 Sep 2023  
Accepted:  
02 June 2024  
Published online:  
10 June 2024

### Keywords:

*Bread on Uncle Milad's Table,*  
*Critical aesthetics,*  
*Frankfurt school,*  
*Patriarchy,*  
*Position of Women.*

### Abstract

The novel *Bread on Uncle Milad's Table*, which was selected for the 2022 Arab Booker and is written by the contemporary Libyan writer Mohammad Al-Naas, is characterized by its critique of the role of women in Libyan society. In a society characterized by a patriarchal culture and a gendered perspective on women, this novel features a substantial number of female characters who express their conditions, opinions, and thoughts. The novel posits that the root of the women's helplessness is patriarchy, which impedes the development of their talents. The novel also includes bitter descriptions of the women and their fate. In light of the critical perspective of Mohammad Al-Naas in the context of the aforementioned novel and the Frankfurt School's critical aesthetic perspective that art and literature should fight against the existing conditions with a negative and oppositional approach to achieve the desired conditions, we decided to write the novel. We will analyze it in a descriptive-analytical manner in accordance with this theory. This article is an endeavor to investigate and analyze this critical perspective. The research results indicate that Mohammad Al-Naas's perspective is in alignment with the Frankfurt School's critical approach. He has critiqued the status of women in society with the intention of informing society and enhancing their status, albeit from a negative and opposing perspective. He criticizes the ruling patriarchal system and the oppressions that have been inflicted on women by juxtaposing traditional and modern women in his narrative. He attempts to inform the women and men of his society about their position by enlisting the assistance of male characters in their opposition to the patriarchal system. A woman's significant function in society and the family.

**How To Cite:** Mohammadi Bytambar, Ch., & Ahmadi, M. N. (2024). Analyzing the Position of Women in the Novel *Bread on the Table of Al-Khal Milad* by Mohammad Al-Naas Based on the Frankfurt School of Critical Aesthetics. *Women in Culture & Art*, 16(1), 23-40. DOI: <http://doi.org/10.22059/jwica.2023.361800.1938>



© The Author(s).  
DOI: <http://doi.org/10.22059/jwica.2023.361800.1938>

Publisher: The University of Tehran Press.



## فصلنامه زن در فرهنگ و هنر

سال ۱۶، شماره ۱  
بهار ۱۴۰۳، ۲۳-۴۰



### تحلیل جایگاه زنان در رمان نانی روی میز دایمی میلاد اثر محمد النعاس براساس مکتب زیبایی شناسی انتقادی فرانکفورت

چیمین محمدی بایتمبر<sup>۱</sup> | محمد نبی احمدی<sup>۲</sup> ✉

۱. دانشجوی دکتری تخصصی زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: [ch.mohammadi@razi.ac.ir](mailto:ch.mohammadi@razi.ac.ir)  
۲. نویسنده مسؤل، دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: [mnabiahmadi@razi.ac.ir](mailto:mnabiahmadi@razi.ac.ir)

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۴</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۶/۲۶</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۳</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۳/۲۳</p> <p><b>واژه‌های کلیدی:</b> جایگاه زن، خبیر علی طاوله الخال میلاد، زیبایی‌شناسی انتقادی، مردسالاری، مکتب فرانکفورت.</p>	<p>انتقاد به جایگاه زنان در جامعه لیبی یکی از مشخصه‌های رمان نانی روی میز دایمی میلاد، رمان برگزیده بوکر عربی ۲۰۲۲ و نوشته محمد النعاس نویسنده معاصر لیبیایی است. این رمان دربرگیرنده تعداد زیادی شخصیت زن و بیان شرایط و عقاید و افکار آن‌ها در جامعه‌ای با فرهنگ مردسالاری و نگاه جنسیتی به زن است. این اثر با توصیفات تلخی از زنان داستان و سرنوشت آنان، ریشه درماندگی‌هایشان را حاکمیت مردسالاری می‌داند که مانع از بروز استعدادها و توانمندی‌های آن‌ها می‌شود. به دلیل بازتاب دیدگاه انتقادی محمد النعاس در بستر رمان مذکور و تطابق با دیدگاه زیبایی‌شناسی انتقادی مکتب فرانکفورت نسبت به اینکه هنر و ادبیات باید با رویکرد سلبی و مخالف‌خوان به مبارزه با شرایط موجود برای رسیدن به شرایط مطلوب برآیند، بر آن شدیم تا رمان مذکور را براساس این نظریه با رویکرد تحقیق کیفی و با روش تحلیل محتوا بررسی کنیم. مقاله حاضر کوششی برای تحلیل و بررسی این دیدگاه انتقادی است. یافته‌های پژوهش بیانگر انطباق دیدگاه محمد النعاس با رویکرد انتقادی مکتب فرانکفورت است و نشان می‌دهد او با هدف آگاه کردن جامعه و بهبود جایگاه زنان، با دیدگاه مخالف‌خوان و سلبی به انتقاد از وضعیت آنان در جامعه پرداخته است. همچنین با ایجاد تقابل میان زنان سنتی و مدرن به انتقاد از نظام مردسالاری حاکم و ستم‌هایی که بر زنان روا داشته شده می‌پردازد و با کمک‌گرفتن از شخصیت‌های مرد علیه نظام مردسالاری، سعی در آگاه کردن زنان و مردان جامعه‌اش نسبت به جایگاه زن و نقش او در خانواده و اجتماع دارد.</p>
<p><b>استناد به این مقاله:</b> محمدی بایتمبر، چیمین و احمدی، محمد نبی (۱۴۰۳). تحلیل جایگاه زنان در رمان نانی روی میز دایمی میلاد اثر محمد النعاس براساس مکتب زیبایی‌شناسی انتقادی فرانکفورت. زن در فرهنگ و هنر، ۱۶ (۱)، ۲۳-۴۰.</p> <p>DOI: <a href="http://doi.org/10.22059/jwica.2023.360432.1926">http://doi.org/10.22059/jwica.2023.360432.1926</a></p>	
<p>ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران</p> <p>© نویسنده‌گان.</p>	



## ۱. مقدمه

جایگاه زن در تمامی جوامع معاصر، یکی از مسائل مهم به‌شمار می‌رود که از نگاه اندیشه‌های مختلف مورد بحث، داوری و بررسی قرار گرفته است. کشورهای عرب‌زبان نیز از این قاعده مستثنا نبوده‌اند؛ خصوصاً اینکه جوامع عربی در طول تاریخ نگاهی مردسالارانه به زن و جایگاه او داشته‌اند. یکی از این جوامع، جامعه لیبی است و یکی از حوزه‌های فکری بررسی جایگاه زن، حوزه ادبیات داستانی است. رمان وابسته‌ترین نوع ادبی به جامعه است و می‌توان گفت تنها گونه‌ای است که جامعه واقعی‌ترین بازتاب را از چهره خود در آن می‌یابد (Rezvan, 1991: 5). در عصر جدید و با ظهور مکتب انتقادی فرانکفورت، رمان با آرای جامعه‌شناسی ارتباط محکم‌تری یافته است. نگاه نظریه انتقادی به کارکرد هنر، سلبی و منفی است. «این دیدگاه، هنر را دو گونه می‌داند: هنر تأییدگرایی که به تأیید وضع موجود می‌پردازد و هنر اصیل که مخالف‌خوان است و با دیدگاهی سلبی ساختارهای موجود را برای رسیدن به وضعیت مطلوب نقد می‌کند» (Bina, 2002: 53). رمان *نانی روی میز دایی میلد*<sup>۱</sup> برنده جایزه بوکر ۲۰۲۲ نوشته محمد النعاس، داستان‌نویس لیبیایی متولد ۱۹۹۱ م است. او از سال ۲۰۱۰ شروع به نوشتن داستان کرد و دارای مجموعه کتاب‌هایی در زمینه‌های مختلف ادبی است. محمد النعاس با این رمان برجسته‌اش چشم دنیا را به وضعیت زنان در جامعه لیبی و فرهنگ مردسالارانه آن با وجود تمام تغییرات دنیای معاصر از جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... گشود. او در این رمان به توصیف وضعیت واقعی زنان در خانواده و جامعه پرداخت که به‌علت قدرت نظام مردسالار قربانی امیال و خواسته‌های مردان می‌شوند. از آنجا که آثار ادبی، بازتاب‌دهنده خواست‌های بشر در طول تاریخ هر ملت هستند و واقعیت‌های اجتماعی را به‌صورت ادیبانه و هنرمندانه و نامحسوس بر ما عرضه می‌دارند، بررسی و تحلیل آن‌ها از دیدگاه‌های مختلف ضرورت می‌یابد. مکتب زیبایی‌شناسی انتقادی فرانکفورت بر آن است که هنر و ادبیات باید با دیدگاه سلبی و منفی به مسائل جامعه مدرن برای بهبود اوضاع و رسیدن به وضعیت مطلوب تلاش کنند و نقد، تفکر فلسفی است (Sabouri, 2017: 58). زبان انتقادی النعاس، تناقض‌های موجود در جامعه را افشا می‌کند و می‌کوشد تا جامعه‌ای بر پایه عدالت، آزادی و اندیشه‌ورزی بنا کند؛ با این فرض که بررسی و تحلیل رمان محمد النعاس می‌تواند هم در آسیب‌شناسی و هم یافتن جایگاه مناسب زنان در جوامع مختلف مفید واقع شود؛ بنابراین سؤال پژوهش پیش‌رو این است که چگونه محمد النعاس در رمان مذکور توانسته است با دیدگاهی انتقادی و براساس مکتب زیبایی‌شناسی فرانکفورت، به تلاش برای بهبود وضعیت زنان در جامعه بپردازد.

---

۱. *خُبْرُ عَلی طاولَة الخال میلد*

## ۲. روش پژوهش

رمان مذکور با رویکردی کیفی و با تکیه بر روش تحلیل محتوا واکاوی می‌شود و اطلاعات بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای گردآوری شده است. نویسندگان با مطالعه جایگاه خانوادگی و اجتماعی زنان نامبرده در رمان، با تکیه بر نظریه زیبایی‌شناسی انتقادی مکتب فرانکفورت به تحلیل جایگاه زنان در رمان می‌پردازند تا دیدگاه انتقادی محمد النعاس به جایگاه زنان و تلاش وی برای بهبود جایگاه آن‌ها در جامعه لیبی آشکار شود.

## ۳. پیشینه نظری

مکتب فرانکفورت که یکی از مهم‌ترین جریان‌های نظری و انتقادی قرن بیستم و عمدتاً متأثر از اندیشه‌های متعدد و الهام‌گرفته از متفکرانی همچون کانت، هگل، مارکس، نیچه، فروید و وبر است، دارای رویکردی فرهنگی و در حوزه مطالعات هنری، زیبایی‌شناسی و ادبیات نیز هست و در عین حال به مسائل اجتماعی و سیاسی توجه خاصی نشان می‌دهد. در نظریه انتقادی، «حوزه‌ها و رشته‌های متعددی از علوم انسانی و اجتماعی نظیر فلسفه، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، اقتصاد، روان‌شناسی، ادبیات، هنر و جریان‌های نوین برای تجزیه و تحلیل مسائل و مشکلات جوامع معاصر و ارائه راه‌حلی برای آن به خدمت گرفته شده‌اند» (Nowzari, 2004: 106). نظریه انتقادی طرح و برنامه‌ای است که ابتدا فیلسوفان برجسته‌ای چون آدورنو، بنیامین، هورکهایمر و مارکوزه بسط دادند. این اعضا گروهی با عنوان مکتب فرانکفورت را تشکیل دادند و در برنامه‌های پژوهشی خود نظریه انتقادی را مبنای قرار دادند (Zuidervaret, 1991: 16). وجه مشترک تمامی گرایش‌های موجود در این مکتب، ناسازگاری با شرایط حاکم و نقد مناسبات اجتماع است که نظریه‌پردازان این مکتب را وامی‌دارد که در شاخه‌های گوناگون، در حوزه علمی و فلسفی موضوع تخصص خویش، وضعیت موجود را به نقد بکشند. نظریه انتقادی در برابر نظریه سنتی قرار گرفته است. نظریه سنتی توجیه‌کننده نظامی بود که دیدگاهی پوزیتیویستی (اثبات‌گرایی) برگزید؛ درحالی‌که نظریه انتقادی، ریشه‌های دگرگونی اجتماعی را در نظر می‌گرفت و به یاری دیالکتیک، نگرشی همه‌جانبه به تمامیت آن دگرگونی‌ها داشت. این نظریه، هم نقدی بر جامعه است و هم نقدی بر نظام‌های دانایی متفاوت (Ahmadi, 2012: 218). «حواس باید بیاموزند که دیگر از زاویه دید قوانین و نظام‌هایی که به آن‌ها شکل داده‌اند به امور ننگرند.» (Marcuse, 2009b: 55). در نظریه انتقادی، هنر مدرن با جداسازی از قالب‌ها و الگوهای از پیش تعیین‌شده جامعه، قدرت انتقادی می‌یابد (Heydari, 2008: 66). مارکوزه در این باره می‌گوید: «باید اختلاف و تمایز واقعیت هنری را با واقعیت اجتماعی بشناسیم. انقطاع از واقعیت اجتماعی و انکار عقلانی یا جادویی این واقعیت، ویژگی اصلی هنر محسوب می‌شود. حتی هنر ارزنده، با اینکه با مردم گفت‌وگو می‌کند، از آنان فاصله

می‌گیرد» (Marcuse, 1983: 94-95).

زیبایی‌شناسی انتقادی یکی از موضوعات مهمی است که اعضای مکتب فرانکفورت از جمله تئودور آدورنو و هربرت مارکوزه در ذیل نظریه انتقادی مطرح کردند و به‌طور گسترده به آن پرداختند. نظریه‌پردازان این حوزه معتقدند ادراک زیبایی که آمیزه‌ای از حس و ادراک عقلانی است از عهده هیچ پدیده فرهنگی‌ای جز هنر بر نمی‌آید (Ahmadi, 2012: 248-249). آن‌ها معتقدند «غایت هنر، ناسازگاری با وضع موجود و نشان‌دهنده ناخشنودی و پرخاشگری است» (Marcuse, 1983: 95). زیبایی‌شناسی، ادبیات و موسیقی در پیوند با ساختارهای اجتماعی و مادی درصدد اعتباربخشیدن به این تز نظریه انتقادی است که جامعه حاصل نموده‌ها، ظواهر و تظاهرات خود نیست و اینکه جامعه یک امر مسلم و قطعی و اصلاح‌ناپذیر نیست (Shahandeh, 2011: 126). درواقع مکتب انتقادی دربرگیرنده انتقاد از جامعه و نیز نظام‌های گوناگون معرفتی است و هدف نهایی آن افشای دقیق‌تر ماهیت جامعه است (Ebrahimi et al., 2007: 65).

### پیشینه تجربی

در ارتباط با جایگاه زنان در ادبیات عربی می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره کرد: مریمی و حیدریان شهری (۱۴۰۱) در مقاله «بازنمایی جایگاه زن در جامعه سنتی رمان‌های میرال الطحاوی، الخباء و تفرات الطباء» نشان دادند نویسنده با طرح مسئله اصلی رمان بر محوریت زنان و سیطره فرهنگ عامه گذشته، آشفتگی‌ها، تحقیر و خوارداشت، ظلم‌پذیری و سلطه سنت، تصویری تک‌بعدی و اغلب یک‌وجهی از یک زن منفعل عربی در محیطی بدوی و احياناً حضری را به تصویر می‌کشد که تسلیم‌گفتمان حاکم است و اگر به‌ندرت تمردی دارد، این تمرد به تغییر و بهبود وضعیت وی در خانواده و جامعه منجر نمی‌شود. صالحی (۱۳۹۹) در مقاله «جایگاه اجتماعی زنان در رمان‌های شوهراهمو خانم و ذاکره الجسد» به این نتیجه رسید که هر دو نویسنده با وجود تفاوت‌های جنسیتی، فرهنگی، اجتماعی، زبانی و... به‌خوبی توانسته‌اند تصویری واقعی از حقوق پایمال‌شده زنان ایرانی و الجزایری را به تصویر بکشند. خسروی (۱۳۹۳) در مقاله «بررسی و تبیین جایگاه زن در روایات نجیب الکیلانی» با مطالعه رمان‌های نجیب دریافت زن مدنظر الکیلانی، ضمن حفظ شئون اسلامی، در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، دفاع از وطن و خانواده حضوری پررنگ دارد.

در ارتباط با نظریه زیبایی‌شناسی انتقادی در ادبیات نیز می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره کرد: سهرابی، معروف و احمدی (۱۴۰۲) در مقاله «کاربرد رمز در شعر خزعل الماجدی و نسیم شمال براساس نظریه زیبایی‌شناختی» مهم‌ترین دغدغه‌های فکری هر دو شاعر را از چهار جنبه مشترک رمز سیاسی، رمز اجتماعی، رمز اسطوره و رمز تاریخی که دارای بار نمادین است، از نظر

زیبایی‌شناسی انتقادی مقایسه و تحلیل کردند.

فولادی (۱۴۰۰) در «تحلیل جایگاه اجتماعی زنان در رمان‌های رضا براهنی براساس نظریه زیبایی‌شناسی انتقادی مکتب فرانکفورت» به انتقاد از وضعیت زنان جامعه ایران در رمان‌های براهنی پرداخت و نشان داد حوادث اجتماعی منجر به انقلاب اسلامی موجب بروز توانمندی‌های بالقوه زنان و تأثیر پررنگشان در جامعه شده است.

وکیلی نوش‌آبادی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله «زیبایی‌شناسی انتقادی اشعار آدونیس براساس مکتب فرانکفورت» با روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی اشعار انتقادی آدونیس در دفترهای شعری *اغانی مهیار الدمشقی*، *تنبأ آیها الأعمی* و *هَذَا هو اسمی* پرداخت و به این نتیجه رسید که آدونیس به استقلال هنر باور دارد و کوشیده تا ملت عرب را بیدار سازد. با توجه به آنچه گذشت، در مورد رمان *خبز علی طاولة الخال میلاد* یا همان *نانی روی میز دایی میلاد*، پژوهش انتشار یافته قابل استنادی یافت نمی‌شود. این موضوع دلیل نبودن پژوهش حاضر در مورد رمان مذکور است. همچنین در ادبیات عرب، پژوهشی که جایگاه زنان را براساس نظریه زیباشناختی انتقادی مکتب فرانکفورت بررسی کند مشاهده نشد و این موضوع نبودن جستار پیش‌رو را دوچندان نشان می‌دهد.

#### ۴. بحث

زنان عرب در سراسر دوره خلافت عثمانی به دلیل وجود قوانینی بسیار ظالمانه و نابرابر در زمینه حجاب، ازدواج اجباری، تعدد زوجات و بسیاری از محدودیت‌های اجتماعی، مورد تبعیض قرار گرفتند و از وضعیتی نامطلوب برخوردار بودند (Ezzedine, 2007: 211); تا اینکه با آغاز دوره نهضت بیداری در کشورهای عربی، دفاع از حقوق زنان و تلاش در جهت بهبود و ارتقای سطح علمی و فرهنگی آنان در کنار بسیاری از امور دیگر، موضوع رایزنی و چاره‌اندیشی متفکران و روشنفکران بوده است.

سرنوشت زنان و مباحث مربوط به آن‌ها از آغاز پیدایش ادبیات روایی، همواره مطرح بوده است. توصیف حالات و رفتارها، نکوهش و ستایش او، به‌منزله موضوعی جدی در روایات و از مباحث اصلی است. آثار هنری نیز آینه تمام‌نمای رسوم، ارزش‌ها و باورهای جامعه هستند؛ بنابراین بهترین منبع برای دریافت و فهم ویژگی‌ها و شرایط فرهنگی هر عصر به‌شمار می‌روند. یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های مکتب فرانکفورت، سرنوشت فرد در جامعه معاصر بود. آدورنو امکان آزادی فرد از قید را نه در ظهور گروه‌های مخالف (اپوزسیون) جدید و نه در آزادی جنسی، بلکه در کار هنرمند اصیل می‌دید که واقعیات مسلم را با نشانه‌هایی از آنچه می‌توانست باشد، روبه‌رو می‌سازد (Bottommore, 1996: 51). رمان *نانی روی میز دایی میلاد* از یکی از مسائل مهم در جوامع سنتی که وجود تبعیض میان زن و مرد است پرده برمی‌دارد. این رمان روایتی

اعتراف گونه از زبان میلاد، قهرمان داستان است؛ شخصیتی که در جامعه مردسالار به دنیا آمده است. النعاس در شش فصل، رمان خود را نوشته که راوی تمام شش فصل، میلاد است و هر بخش، جزئی از خاطرات و زندگی وی محسوب می‌شود. هر بخش با ضرب‌المثلی با درون‌مایه مردسالاری و محدودکردن زنان آغاز می‌شود. النعاس در رمانش با رویکردی انتقادی، ساختارهای جامعه را در زمینه جایگاه و نقش زنان در جامعه به چالش می‌کشد و نقد می‌کند. زنان به‌منزله بخشی از پیکره اجتماع و فرهنگ، همواره قسمتی از بار جلوبردن روایت را به دوش کشیده‌اند. النعاس طبق دیدگاه این مکتب، دیدگاه آرمانی، انتقادی یا اصلاحی خودش را به نمایش می‌گذارد. می‌توان گفت در این رمان، اندیشه‌های انتقادی او جمع شده و نگاه ویژه او به جایگاه زنان بر تمام حوادث داستان سایه افکنده است.

النعاس از زبان میلاد به جایگاه خانواده، نقش زنان، محدودیت‌ها و محرومیت‌های زنان تربیت‌شده توسط فرهنگ جامعه سنتی و ویژگی‌ها و عقاید زنان مدرن می‌پردازد و دیدگاه انتقادی خود را در قالب این موضوع بیان می‌دارد. فرهنگ به معنی واقعی، حکم خود را به سادگی با هستی همساز نمی‌کند، بلکه همواره اعتراض علیه مناسبات متحجر را برمی‌انگیزد؛ مناسباتی که افراد همراه با آن زندگی می‌کنند. به بیان دیگر فرهنگ باید نقادانه باشد (Ahmadi, 2001: 161). النعاس نیز کوشیده است با به‌تصویر کشیدن دنیای واقعی و گاه آرمانی زنان از گذشته تاکنون، توجه مخاطب را به این بخش از فرهنگ لیبی که در اثر تکرار در طول تاریخ عادی شده جلب کند تا شاید بتواند در بهبود جایگاه و شرایط زنان جامعه‌اش قدمی بردارد. رمان او هریک نماینده دیدگاه خاصی از نویسنده هستند. زندگی هر کدام از شخصیت‌های زن رمان، خواننده را به تفکر وامی‌دارد. همه آن‌ها در یک‌چیز مشترک هستند: از طرف جامعه مردسالار تحت فشارند. هیچ‌کدام به‌دلخواه خود نمی‌توانند سرنوشت خود را رقم بزنند. درنهایت سرنوشت تلخ زینب، زن برجسته رمان، مخاطبان را به فکر فرومی‌برد که به‌دنبال علت‌یابی وقایع داستان باشند. با توجه به تلاش محمد النعاس برای ارتقای جایگاه مناسب زن و بازتاب اندیشه‌های مکتب انتقادی در رمان وی و اهمیت این موضوع در تاریخ اجتماعی و فرهنگی ملل مختلف در پژوهش حاضر از منظر زیبایی‌شناسی انتقادی مکتب فرانکفورت به بررسی و تحلیل رمان نانی روی میز دایی میلاد از بعد جایگاه زنان در جامعه می‌پردازیم.

### معرفی رمان نانی روی میز دایی میلاد

این رمان سرگذشت زندگی میلاد، شخصیت اصلی رمان، است که گویا داستان زندگی و روحی خود و اطرافیانش را برای یک فیلم‌نامه‌نویس بازگو می‌کند. همچنین شرایط اجتماعی، فکری و فرهنگی و مشکلات جامعه لیبی از نظر نویسنده رمان دور نمانده است. این رمان در شش بخش نوشته شده است که هر بخش با مثلی با مضمون مردسالاری آغاز می‌شود. در این اثر توجه

ویژه‌ای به شرایط زنان شده که همه از زبان میلاد بیان شده است. میلاد، تنها پسر یک خانواده شش نفره است. او یک ناناوازه است و علاقه فراوانی به پختن نان و شیرینی دارد. در کودکی از یک طرف مانند عروسکی در دست خواهرانش بوده و هیچ‌وقت مانند یک پسر یا یک مرد با او رفتار نکرده‌اند. این نوع رفتار برخلاف فرهنگ حاکم بر جامعه بوده است. از طرف دیگر به‌خاطر هم‌نشینی با خواهرانش و الگوگرفتن از رفتارهای آنان توسط پدر و مادر سرزنش و تنبیه شده است. او در پی دست‌یافتن به هویت مردانه خویش با مشکلات فراوانی روبه‌رو می‌شود. هرگز خود را به‌عنوان یک مرد که در جامعه پذیرفته نمی‌شود نمی‌پذیرد. در واقع اعتمادبه‌نفس حضور در اجتماع را ندارد و مدام احساس ضعف می‌کند. همچنین به‌دلیل اینکه توسط خواهران تربیت شده، به خلیات و رفتارهای دختران و زنان آگاهی دارد و شرایط و قوانین سختگیرانه جامعه درباره زنان نیز همواره مورد توجه او بوده است؛ بنابراین نگاهی انتقادی به شرایط زنان دارد؛ به‌طوری‌که از اینکه آنان به‌عنوان جنس ضعیف‌تر شرایط دشواری را متحمل می‌شوند ناخشنود است و این ناخشنودی را در جای‌جای رمان با شرح زندگی خواهرانش و زنان اطرافش بروز می‌دهد. میلاد مدافع حقوق زنان است و به جزئیات مشکلات آنان پرداخته است. در زندگی زناشویی نمی‌تواند مانند مردان هم‌عصرش باشد و مانند یک مرد روشنفکر به همسرش زینب اجازه می‌دهد تحصیل کند، سرکار برود، در جلسات کاری با مردان هم‌نشینی کند و برای جایگاه او به‌عنوان یک زن ارزش قائل است، اما این شخصیت همان‌طور که اشاره شد از کودکی دچار تربیتی متناقض بوده است و به معنای مردانگی طبق فرهنگ جامعه‌اش دست نیافته است. به همین سبب در درون خود را مرد کاملی نمی‌بیند. این احساس ضعف که طبق انتظار دیگران یک مرد نیست، سبب شده در زندگی زناشویی به‌صورت افراطی تسلیم همسرش باشد و با تمام خواسته‌های نامعقول همسرش از جمله سیگار کشیدن و مشروب خوردن نیز موافقت می‌کند. حتی خودش سرکار نمی‌رود و خود را به خانه و خانه‌داری سرگرم می‌کند. همین رفتار در زندگی زناشویی موجب می‌شود همسرش نیز او را به‌عنوان یک مرد نپذیرد و دچار کمبودهایی از طرف مرد زندگی‌اش باشد؛ زیرا در وجود میلاد نمی‌بیند که به‌عنوان یک مرد بتواند حامی او باشد و بارها به میلاد می‌گوید: «تو مرد نیستی»؛ بنابراین دچار اختلاف می‌شوند. زینب در جهت دستیابی به خواسته‌های بلندپروازانه شغلی و اجتماعی خود به مردانی که از نظر جایگاه اجتماعی قدرتمندتر از همسرش هستند پناه می‌برد و همین موضوع زمینه‌خیزش را پی‌ریزی می‌کند. از طرف دیگر نیز میلاد با زنی به نام مادام مریم آشنا شده است که از میلاد آشپزی و نان‌پختن را یاد می‌گیرد؛ زنی که شخصیت میلاد را به‌عنوان یک مرد واقعی پذیرفته و به او اعتمادبه‌نفس یک مرد را داده است. با وجود این، میلاد به همسرش وفادار است و به خیانت به همسرش فکر نمی‌کند، اما زمانی که با چشم خود خیانت زینب را می‌بیند، در اثر خشمی که در درون خویش



به خاطر تسلیم‌های مکرر و افراطی‌اش در برابر خواسته‌های همسرش داشته، دست به قتل زینب می‌زند.

### تحلیل جایگاه زنان در رمان نانی روی میز دایمی میلاد

رمان النعاس طبق گفته آدورنو «با پیروی از قوانین خاص خود در تعارض با جامعه قرار گرفته است» (Adorno, 2007: 50). انتقاد النعاس از جایگاه زن در جامعه در قالب نقش زنان مختلف در داستان، نشان از این تعارض دارد. یک دسته از زنان رمان، زنان سنتی هستند که در مقابل آن‌ها زنان مدرن قرار داده می‌شود. نویسنده میراث کهن را به کار می‌گیرد. دلیل اینکه او به ریشه‌ها و اصالتش چنگ می‌زند، طرح هویت ویژه در راه قطع ارتباط با رمان غربی است و خلق رمان که از لحاظ شکل و محتوی صبغه عربی داشته باشد (Saleh, 1998: 56). زنان سنتی آن‌هایی هستند که به فرهنگ مردسالار خو گرفته‌اند، اعتراضی به شرایط موجود ندارند و حتی نگاهی سرزنشگر به زنانی دارند که از این نظام تبعیت نمی‌کنند. مادر میلاد، نمونه زن سنتی جامعه خویش است که تمام شرایط را پذیرفته است. میلاد در مورد مادرش می‌گوید: «مادرم، حاجیه فاطمه، سال‌ها تحت سرپرستی پدرم زندگی کرد و معتقد بود که زن جایی جز خانه ندارد و آرزویی جز آسایش شوهرش ندارد» (Al-Naas, 2020: 51). همچنین زن سنتی به فرزندآوری بسیار اهمیت می‌دهد و اگر زنی زود بچه‌دار نمی‌شود، همسرش باید با زنی دیگر ازدواج کند: «زینوبه کی مرا با اولین نوهام خوشحال می‌کند؟ مادرم از دو خواهرم صباح و اسماء نوه داشت، اما نوه پسر، اولین نوه محسوب می‌شود» (Ibid, 51). زینب نیز از میلاد شکایت می‌کند که «مادرت می‌گوید اگر می‌توانی در سالگرد ازدواجمان با زن دیگری ازدواج کنی» (Ibid: 145). حال النعاس سعی دارد با جنبه سلبی هنرش، اختلاف بین این دو نسل را این‌گونه حل کند: «به زینب می‌گفتم: مادرم بی‌زنی است، در عصر دیگری غیر از عصر تو تربیت شده است... زینب از نسل جدید است مادر، او در زمان دیگری تربیت شده است. همین جمله را به مادرم می‌گفتم، وقتی از من به خاطر برخی از کارهای همسرم انتقاد می‌کرد» (Ibid: 51). مادر می‌تواند نماد نسل سنتی مردم عرب باشد؛ کسانی که همه چیز را در ابتدا به صورت سطحی می‌بینند. آنان برای ازدست‌ندادن راحتی‌شان از هر نوع تغییر و تحولی سر باز می‌زنند. زنان سنتی با شرایط خو گرفته‌اند و در روند تداوم مردسالاری نقش پررنگی ایفا می‌کنند. آنجا که میلاد در مورد مادرش می‌گوید: «چیزی که بیشتر از همه می‌ترسیدم این بود که مادرم بداند که من تمام روز را در رختخواب و در حال تماشای تلویزیون نبوده‌ام. اولین واکنش او این بود که من نباید به عنوان یک مرد ظرف‌ها را بشورم» (Ibid: 28). قاسم امین معتقد است در عدم تساوی زن و مرد، نه طبیعت مقصر است، نه ماهیت زن بودن و نه اسلام، بلکه استبداد در این زمینه نقش اساسی را بازی می‌کند (Amin, No date: 73).

در دیدگاه انتقادی، هنر پدیده‌ای است خودمختار که به‌جای تبعیت بی‌چون‌وچرا از هنجارهای موجود اجتماعی - در هیئت چیزی سودمند - علیه جامعه می‌ایستد و به‌موجب آنجا بودنش، جامعه را می‌سنجد (Marcuse, 2009a: 57). النعاس با خلق شخصیت مادام مریم، این نقش انتقادی را در اثر هنری خود ایفا کرده است. مادام مریم، زنی صاحب‌فکر و اندیشه‌مستقل است. در خارج از لیبی زندگی کرده و پرورش‌یافته فرهنگ غربی است؛ پوشش و رفتاری طبق فرهنگ غرب دارد و از فرهنگ و آداب‌ورسوم جامعه لیبی هم اطلاعاتی دارد. تحصیل کرده، روزنامه‌نگار و روان‌شناس است و با اندیشه‌ها و اعمال و رفتار خود، جامعه را برای کنارگذاشتن خرافات و عقاید بی‌اساس دعوت می‌کند. میلاد این‌گونه به توصیفش می‌پردازد: «از زمان مرگ شوهر ثروتمندش به‌تنهایی زندگی می‌کرد و از ترس تسلط آن‌ها بر او، از بازگشت نزد خانواده خود یا خانواده شوهرش امتناع می‌ورزید. مادام از آن یک درصد طبقه‌ای است که بعد از انقلاب رهبر از تقسیم ثروت خود با مردم امتناع ورزیدند و برای حق خود به مبارزه ادامه دادند. دوران کودکی خود را در لندن گذراند تا اینکه در اواسط دهه نود به لیبی بازگشت و در رؤیای سرزمینش بود، اما سرزمین به‌گونه‌ای رشد کرده بود که برای او غریبه شده بود» (Ibid: 167). او اوایل، طبق فرهنگ غرب در جامعه لیبی رفتار می‌کند، اما پس از مدتی که آماج نگاه‌های سرزنشگر زنان اطرافش قرار می‌گیرد، سعی می‌کند مطابق رسوم جامعه عربی لباس بپوشد و رفتار کند. باین‌حال متوجه حاکمیت فرهنگ مردسالاری نیز هست و تحت لوای آن قرار نمی‌گیرد و سعی در حفظ جایگاه خود به‌عنوان یک زن مستقل و تحصیل‌کرده دارد. طه‌طاوی معتقد است عفت زنان به پوشاندن صورت یا بازگذاشتن آن ارتباط ندارد، بلکه به تربیت آن‌ها مرتبط است (Tahtawi, 1973: 101). با این توصیف، او زنی معرفی شده که اگرچه پوشش مناسبی ندارد، زنی مستقل است که اجازه دست‌درازی مردان به خود را نمی‌دهد. برای حق خود تلاش کرده است و به مسائل جامعه به دیدی منطقی نگاه می‌کند. یکی از این مسائل، موضوع طلاق است. تکیه نظریه زیبایی‌شناسی انتقادی بر نفی شرایط استثمار و رد نظام بهره‌کشی است (Ahmadi, 2007: 119). «رهایی از تمام اشکال ستم و سرکوب و همچنین تعهد و سرسپردگی به آزادی و سعادت جامعه، دغدغه‌های اساسی آن به‌شمار می‌رود. براساس این دیدگاه، اندیشه باید متعهد و افشاگر باشد؛ زیرا نوعی سلطه گسترده شر بر خیر و از خودبیگانگی بر آزادی وجود دارد» (Cusset & Haber, 2006: 9). النعاس این پدیده اجتماعی را که نوعی آزادی و رهایی از قیدوبند و ستم و سرکوب است این‌گونه توجیه می‌کند: «یک بار که شروع کردم به گفتن رابطه‌ام با زینب به او، خانم به من گفت که طلاق چیز بدی نیست و گاهی اوقات بهترین راه‌حلی است که می‌توانیم انجام دهیم. باین‌حال اصلاً قانع نشدم که چگونه ده سال همراهی دو روح می‌تواند به طلاق ختم شود» (Cusset & Haber, 2006: )

9). این مسئله ممکن است از طرف مردم مورد پذیرش قرار نگیرد، اما از زبان مادام مریم به آن‌ها می‌گوید که زیر ظلم ماندن و قبول زندگی عذاب‌آور، سرنوشت محتوم نیست، چه برای مرد و چه برای زن. مثالی که در ارتباط با مسئله طلاق مطرح شده است، صباح خواهر سوم میلاد است. او به‌خاطر آزار و اذیت و خیانت همسرش طلاق گرفته و اکنون دو فرزندش را بزرگ می‌کند: «صبح و داستان غم‌انگیزش که هر بار یادم می‌افتد اشک مرا درمی‌آورد. طلاق از همسرش پس از آنکه دو فرزندش هنادی و مه‌ند را از او به دنیا آورده است. روحیه حساس و نگرانش او را وادار می‌کند که از کابوس پر از توهین، کتک، توهین، تحقیر و خیانت زناشویی فرار کند. سکوت مطلق او در بیشتر اوقات، به او در سازگاری با افسردگی قدرت می‌دهد. مدارا و عشق بی‌حدوحصرش برای فرزندانش» (Ibid: 125). صباح اگرچه زنی سنتی است، زیر سلطه ظلم ماندن و خیانت همسرش را نپذیرفته و سرپرستی فرزندانش را به‌خاطر عشق مادرانه به‌عهده گرفته است. ساره زن دیگر قصه است که از همسرش جدا شده و با پدرش زندگی می‌کند. ساره از زنان مدرن است که به هموعانش را علیه نظام مردسالاری هشدار می‌دهد: «البته باید راندگی کنی. باید مستقل باشی» (Ibid: 107) و در جریان رمان، برای یک زن اهمیت استقلال اجتماعی، اقتصادی و عاطفی و فیزیکی و فکری زن از مرد را تشریح می‌کند. اعضای مکتب فرانکفورت درباره هنر اصیل معتقدند «بهترین شکل هنر باید متضمن ابعادی انتقادی باشد که با توسل به وضعیت آرمانی به رد و نفی وضعیت موجود بپردازد» (Nowzari, 2004: 271).

الناس با پرداختن به دسته‌ای دیگر از زنان داستان که مورد شکنجه و ظلم و آسیب‌های جسمی و روانی از طرف جامعه مردسالار قرار گرفته‌اند و حق اختیار و انتخاب از آن‌ها سلب شده، به انتقاد از وضعیت کنونی آن‌ها پرداخته است. او شرایط زندگی آن‌ها را به تصویر می‌کشد که به‌راحتی و بدون دلیل محکمه‌پسندی آزار و اذیت دیده‌اند و کتک خورده‌اند: «در زمان ما طبیعی بود که مرد زن را کتک بزند. من مردانی را می‌شناسم که عادات خشونت‌آمیزی را روی زنان خود انجام می‌دهند. مرد می‌تواند همسرش را روی زمین بکشانند و روزها در یکی از اتاق‌های خانه حبسش کند. یکی از آن‌ها را می‌شناسم که همسرش را به همراه فرزندش یک ماه تمام زندانی کرده بود. چون زن صدایش را بلند کرده بود، فریاد می‌زد، گریه می‌کرد و خانواده شوهرش که او را احاطه کرده‌اند، صدای گریه او را می‌شنیدند، اما کاری جز تحریک همسرش علیه او انجام نمی‌دادند» (Al-Naas, 2020: 45).

باید دریافت در جامعه‌ای که ابراز خطابه، سلطه و سرکوب به‌جای گفت‌وگو، تفاهم و ارتباط اجتماعی قرار دارد، زن تسلیم می‌شود و امکانات درونی‌اش به‌واسطه آن روابط پدرسالارانه محدود می‌شود (Al-Haidari, 2003: 149). از دیدگاه نظریه زیبایی‌شناسی انتقادی نیز آن

اندیشه‌ای که هنر را وسیله‌ای تحت لوای ایدئولوژی مسلط بداند و در محدوده‌ای خاص، کاملاً تحت نظارت سلطه و چیرگی، آن را به بند بکشد، فعالیت هنری را به چیزی که هنر نیست تنزل داده است (Marcuse, 2009b: 57)؛ بنابراین النعاس در اثر خویش، در برابر سلطه و چیرگی فرهنگ غالب سکوت نمی‌کند. او این شیوه برخورد با زنان را جای تأمل می‌داند و این مسئله را با مثالی از زبان میلاد مورد انتقاد قرار می‌دهد: «اسم این کار را چه می‌گذارند؟ منظورم حالت رضایت زنی است که شوهر یا قیّمش او را می‌زند و بعد از چند روز زندگی‌شان به روال عادی بازمی‌گردد. بدون اینکه مرد ترس این را داشته باشد که زن او را مسموم کند، اجازه می‌دهد برای او غذا بپزد. کاری که پرورش‌دهندگان سگ انجام می‌دهند، این است که سگ‌های خود را با کتک‌زدن و خشونت و سپس غذادادن تربیت می‌کنند، اما برای این کار از یک دست استفاده نمی‌کنند. آن‌ها را با دست چپ می‌زنند و با دست راست غذا می‌دهند. با گذشت زمان، سگ اطاعت می‌کند و وقتی مربی دست چپ خود را بالا می‌برد، درمی‌یابد که سگ رام شده است. آیا این همان کاری است که شوهرها با همسران خود می‌کنند؟» (Al-Naas, 2020: 50) او با این مثال به مردم جامعه‌اش این پیام را می‌رساند که باید به خودشان ببینند و اندکی تأمل کنند که آیا این رفتار با زن صحیح است یا خیر. النعاس با توصیف این دسته از زنان جامعه‌اش و شرایط روحی و روانی آن‌ها می‌خواهد به مردان سرزمینش تلنگری بزند که مردانگی در زورگفتن، خود را برتر دانستن و تحقیر زن نیست و به تأیید ثبات وضعیت موجود نمی‌پردازد، بلکه خواستار دگرگونی است و به آنچه باید باشد و نیست می‌اندیشد و در این راه می‌کوشد تا مردم را بیدار کند. خدوچه زنی دیگر و نماینده زنانی است که در جامعه مردسالار بازیچه هوس مردان قرار گرفته‌اند و در اثر ظلمی که به آن‌ها شده است به فاحشه‌گری روی آورده‌اند. «او به من گفت که وقتی برای اولین بار رابطه جنسی داشت، بیست و پنج ساله بود، دقیقاً همسن من. او عاشق پسری شهری بود که او را دوست داشت. پس آن پسر او را به خانه دوستش برده بود. زن گفت به خاطر عشق با او هم‌بستر شده و می‌خواهد خودش را به او ببخشد. پس عشق به چه دردی می‌خورد وقتی عاشق همه چیزش را به محبوب نبخشد؟ ایده‌ای که مرد جوان تا زمانی که بدنش را تصاحب کند، در ذهن او وارد کرده بود. سپس زمانی که از پسر خواست با او ازدواج کند، گفت که با زن فاحشه ازدواج نمی‌کند» (Ibid: 76). النعاس این‌گونه رفتار با احساسات و سوءاستفاده از عشق دختران را کاری غیرانسانی و دور از مردانگی می‌داند و پیام او به دختران این است که به راحتی و بدون اندیشه، خود را در معرض تعرض مردان قرار ندهند.

به قول آدورنو، این رنج است که به شکل و قالب هنر محتوا می‌بخشد. هنر آنگاه که قرار است محتوایی انسانی داشته باشد باید از رنج سخن بگوید، نه از جنبه‌های اثباتی زندگی انسان‌ها (Ahmadi, 2001: 228). از دیگر زنان رنجور رمان، صالحه دختر بزرگ خانواده است که مورد

شکنجه و آزار جسمی قرار نگرفته، اما در اثر محدودیت‌ها و تصمیم‌گیری اطرافیان برای او نتوانسته ازدواج کند. در خانه ماندن تأثیری منفی روی روحیه او گذاشته و راه گریزش، اعتقاد به خرافات و تعبیر خواب است: «در آن زمان او تقریباً نزدیک بود ازدواج کند، قبل از اینکه عمویم محمد مداخله کند و داماد را رد کند و گذشت زمان بر او و محوشدن زیبایی او و خراب‌شدن موهایش و عشق به خرافات و تعبیر خواب...» (Ahmadi, 2012: 219). آدورنو، طالع بینی و پیشگویی آینده یا سرنوشت افراد را نیز نشانه قهقرا و تنزل آگاهی می‌داند (Nowzari, 2004: 24). النعاس با پرداختن به موضوع فال قهوه، دعانویسی و توجه زیاد به تعبیر خواب در رمان خصوصاً در شخصیت صالحه و سپس آوردن دلایل منطقی توسط مادام مریم برای توجیه این موضوع‌ها سعی در رهایی زنان از افکار بیپهوده و آگاه کردن آن‌ها دارد.

نظریه انتقادی، ریشه‌های دگرگونی اجتماعی را در نظر می‌گیرد و نگرشی همه‌جانبه به تمامیت آن دگرگونی دارد (Ahmadi, 2012: 219). النعاس این دگرگونی را با پرداختن به دسته دیگری از زنان مدنظر دارد؛ زنانی که با دیدن شرایط جامعه و رفتاری که با زنان اطرافشان یا خودشان شده است، تصمیم می‌گیرند برخلاف سنن جامعه خویش مستقل باشند و رسیدن به استقلال و جایگاه اجتماعی را بر ازدواج اجباری ترجیح می‌دهند. صفا، خواهر دوم میلاد، از این دسته زنان است. او تحصیل کرده و در مدرسه شاغل است و با وجود خستگی و مشکلات کارش، خود را زنی مستقل می‌داند که دوست ندارد مردان بر او تسلطی یابند: «مشغله‌ها و مشکلاتش در مدرسه و خستگی‌اش از گریه بچه‌ها، غرور او به زن مستقل بودن و اینکه هرگز قبول نکرد که توسط مردی غیر از پدرش اداره شود» (Ahmadi, 2012: 125). اسماء، دختر دیگر داستان، خواهر کوچک میلاد که از همه کوچک‌تر و مربوط به نسلی جدید است و در بیان عقایدش شجاعت بیشتری دارد. «تمایل همیشگی او به کار در کوشه (نانوایی)، علی‌رغم امتناع پدرم از این کار، اتهام او به سنت‌هایی که در آن بزرگ شده بود و توانایی‌اش برای رویارویی با ترسی که بر بقیه خواهرانش سایه افکنده بود».

### نقش مردان در لغو فرهنگ مردسالاری و ایجاد برابری زن و مرد

فرانکفورتی‌ها اعتقاد دارند که علم یا تئوری باید در پیوند با علایق طبقاتی سرکوب‌شده جامعه باشد و همچنین تئوری فقط نقش توصیفگر وضعیت موجود را برعهده ندارد، بلکه به تغییر وضعیت نیز می‌پردازد (Ebrahimi et al., 2006: 76). النعاس برای ایجاد تغییر در وضعیت زنان، مردان جامعه را در لغو فرهنگ مردسالارانه به کمک می‌طلبد و از زبان مردان داستان نیز برای زنان حق و حقوق قائل می‌شود و علایق و خواسته‌های زنان را مطرح می‌کند. شخصیت اول و راوی داستان میلاد است و همان‌طور که گذشت، نقش او به‌عنوان یک مرد مدافع حقوق زنان در رمان بیشتر آشکار است. میلاد در ابتدای داستان می‌گوید: «خودم را به‌خوبی برای این

دیدار آماده کردم، خانه را تمیز کردم و گردوخاک را از روی تابلوها و وسایل پاک کردم. شیشه پنجره‌ها و چراغ‌ها را برق انداختم تا همه چیز برای عشق به شما آماده باشد» (Al-Naas, 2020: 20). ممکن است خواننده از همان ابتدای رمان با خواندن این قسمت بیندیشد که چرا یک مرد باید این اعمال را انجام دهد و اولین چیزی که به ذهنش خطور می‌کند تقسیم وظایف زندگی است. مگر قرار نیست زن خانه این کارها را انجام دهد؟ در ادامه میلاد شروع می‌کند به شرح کارهایی که در خانه انجام می‌دهد و حتی اتوکردن لباس‌های همسرش. در اثنای صحبتش خود را به جای خواننده می‌گذارد و سؤالی را که به ذهن مخاطبش می‌رسد می‌پرسد و بلافاصله پاسخ می‌دهد: «چرا من لباس‌های او را اتو می‌کنم؟ خب، چون این هردوی ما را خوشحال می‌کند» (Ibid: 2) و با این سؤال و جواب به مخاطبان می‌گوید چون همسرش شاغل است، نمی‌تواند به کارهای خانه رسیدگی کند. پس قرار نیست همیشه زن‌ها خانه‌داری کنند. جامعه باید بپذیرد گاهی مردان نیز در امور خانه‌داری وظیفی را برعهده بگیرند تا زنان بتوانند در بیرون از خانه به دنبال اهداف و کشف استعدادهای خود باشند؛ زیرا «آنجایی که فرهنگ تقویت‌کننده و توجیه‌کننده نظام سلطه و سرکوب باشد، دیگر نمی‌توان نام فرهنگ بر آن نهاد» (Ebrahimi et al., 2006: 80).

مسئله دیگر که از نظر النعاس دور نمانده، پرداختن به جایگاه دین نسبت به زنان در جامعه امروزی است. در مکتب فرانکفورت نوعی نقد غیرسکولار به دین می‌بینیم؛ نقدی که دین را به‌خاطر خود دین نقد می‌کند. این نقدی است که از عقل در مقابل دین بهره می‌گیرد، اما نه برای انکار دین؛ چرا که فرد در انکار دین، درواقع خودش را انکار کرده است (Eduardo, 2005: 8). النعاس نیز دین را انکار نمی‌کند، اما سوءاستفاده‌ای را که از دین، با شناخت سطحی از آن توسط مردان جامعه اسلامی لیبی صورت می‌گیرد مورد انتقاد قرار می‌دهد. او این موضوع را از زبان یکی از مردان داستان که به دفاع از جایگاه زن پرداخته این‌گونه بیان می‌کند: «این هنرمندان می‌دیدند مردم به طرز وحشتناکی خود را از دین دور کرده‌اند و اقتدار مردان بر زنان ربطی به دین ندارد، اما مردان دین را تباه می‌کنند و از آن به نفع خود بهره‌برداری می‌کنند تا از شر زنان در امان باشند. این عجیب است» (Al-Naas, 2020: 89). این مرد عمومی زینب است که زینب از کودکی پیش او بوده و متأثر از افکار اوست؛ افکاری که برای جایگاه زن و حقوق او ارزش قائل است و درمورد کار زن در بیرون از خانه، به مقایسه دو مرد داستان می‌پردازد: پدر زینب که شرطی برای کار زینب هنگام ازدواج نگذاشته و عمومی زینب که از حق زینب برای داشتن شغل و استقلال مالی دفاع می‌کند: «می‌دانم که پدرش این شرط را با تو نگذاشته است، اما دخترم کار خواهد کرد» (Ibid: 89).

موضوع دیگر حجاب است که از نمادهای دینداری محسوب می‌شود. النعاس حجاب را از

عواملی می‌داند که برای زنان عذاب‌آور است، اما خود زنان چاره‌ای جز پذیرش ندارند؛ زیرا جامعه و مذهبشان این تفکر را به آن‌ها القا کرده است که در سخت‌ترین شرایط نیز باید پایبند قوانین و شرع باشند. النعاس خود واقف است که تغییر نگاه به زن در جامعه‌ای که اکثریت آن را قشر سنتی تشکیل داده‌اند، ساده نیست. او این موضوع را با دیدی انتقادی از زبان میلاد، این‌گونه بیان می‌کند: «از خواهرانم می‌شنیدم که در روزهای گرم تابستان از داشتن حجاب می‌نالیدند که علاوه بر آن با وجود گرما و لباس‌های ضخیم به‌سختی نفس می‌کشیدند. چیزی که فکر می‌کردم راه‌حلی منطقی برای آن است این بود که یا حجاب نداشته باشند یا حجابشان به‌گونه‌ای باشد که بتوانند به‌خوبی نفس بکشند و از شدت گرما بکاهد. خواهرانم به منطق من می‌خندیدند» (Ibid: 79). پیداست که النعاس نیز با این تفکر مکتب فرانکفورت موافق است که باید از عقل در مقابل دین بهره برد. او عقل را به یاری می‌طلبد تا به زنان جامعه‌اش در شرایطی که موجب آسیب‌دیدن و آزار آنان می‌شود کمک کند.

از آنچه گذشت روشن شد که محمد النعاس به زنان بسیار اهمیت داده است. او به‌زیبایی حقایق جامعه را درمورد زنان به زبانی ادبی بیان کرده و جایگاه آنان را با دیدگاه سلبی و مخالف‌خوان مورد انتقاد قرار داده است. در جنبه سلبی هنر، اثر در عین اینکه با جامعه ارتباط مستقیمی برقرار می‌کند، خود را از جهان پیشاپیش موجود، در گفتار و رفتار رهایی می‌بخشد (Benjamin et al., 2004: 61). النعاس با ارائه تصویری آرمانی از مرد در داستان در قالب افکار و شخصیت میلاد نسبت به زن، سعی در تغییر عقاید اجتماع درمورد جایگاه زن در خانواده و اجتماع کرده است و این پیام را می‌رساند که این تغییر، نیازمند مشارکت مردان و زنان جامعه است. اما با وجود نهاده شدن نظام مردسالاری، گاهی مرد هرچقدر هم خود را دور از عقاید مردسالارانه نگاه دارد یا زن هرچقدر هم توانمند باشد، باز اسیر قوانین اجتماع خواهند شد. این موضوع را می‌توان از پایان غم‌انگیز رمان دریافت که زینب برای دست‌یافتن به اهداف و رؤیاهای خودش به افرادی سوءاستفاده‌گر مانند مدیر مؤسسه‌ای که در آن کار می‌کند روی می‌آورد و در دام او گرفتار می‌شود. میلاد نیز جذب زن دانا و ثروتمندی می‌شود که او را به‌عنوان یک مرد واقعی می‌پذیرد و به او اعتماد به نفس و احساس پذیرش می‌دهد. این عدم درک متقابل در زندگی زناشویی به خیانت متقابل میلاد و زینب منجر می‌شود و داستان در کمال ناباوری به قتل زینب توسط میلاد می‌انجامد.

## ۵. نتیجه‌گیری

انتقاد به جایگاه زن در دیدگاه النعاس در رمان نانی روی میز دایی میلاد، با حضور پررنگ زنان و بیان ویژگی‌ها، دغدغه‌ها، مشکلات، افکار و عقاید آن‌ها، در جامعه لیبی به‌وضوح پیداست. پرداختن به شخصیت‌های مختلف زنان از دو قشر سنتی و مدرن، نشان‌دهنده اهمیت جایگاه

آن‌ها نزد نویسندهٔ رمان و یکی از دغدغه‌های او وضعیت زنان جامعه و بهبود شرایط آنان است. زنان در رمان به چند دسته تقسیم می‌شوند:

- نسل سنتی که پایبند به عقاید نهادینه‌شدهٔ اجتماع سنتی در ذهن و روان آن‌ها است. اهمیت آن‌ها به خانه‌داری، فرزندآوری، در خانه ماندن و اطاعت بی‌چون‌وچرا از مردان؛
- دستهٔ دیگر زنانی هستند که حق انتخاب در زندگی از آن‌ها گرفته شده یا زیر شکنجه و انواع آزار و اذیت فیزیکی و روانی مردان قرار می‌گیرند و حق مقابله با شرایط موجود را ندارند؛
- زنان متعلق به نسل جدید که برای حق آزادی و استقلال خود تلاش می‌کنند. تعدادی از آن‌ها از ترس تسلط مردان بر آن‌ها در جامعهٔ مردسالار تن به ازدواج نمی‌دهند. تعدادی دیگر نیز هرچقدر هم که متفکر و باسواد باشند، باز هم قوانین مردسالار جامعه اجازهٔ بروز استعدادهايشان را به آن‌ها نمی‌دهد.

به همین دلیل رمان مذکور از منظر زیبایی‌شناسی انتقادی مکتب فرانکفورت که کارکرد هنر و ادبیات را سلبی و مخالف‌خوان با وضعیت موجود می‌داند، بررسی و تحلیل شد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که النعاس با نگرشی مخالف‌خوان از جایگاه زن که از گذشته تاکنون دستخوش تزلزل و تحت حاکمیت نظام مردسالاری حاکم بر جوامع عرب‌زبان بوده انتقاد می‌کند. او با خلق شخصیت‌های مختلفی از زنان جامعه‌اش، آنان را با حقوقی که در اجتماع می‌توانند داشته باشند مواجه می‌کند. همچنین از زبان برخی از مردان داستان، برای دفاع از حقوق زنان تلاش می‌کند و وضعیت آنان را مورد انتقاد قرار می‌دهد. با توجه به دیدگاه زیبایی‌شناسی انتقادی مکتب فرانکفورت، می‌توان گفت النعاس با دیدگاه انتقادی خود در رمان مذکور به تلاش برای بهبود وضعیت زنان در جامعه پرداخته است. با این حال غلبهٔ نظام مردسالار و سوءاستفادهٔ برخی از مردان از این جایگاه و عدم مشارکت خود زنان برای احقاق حقوق از دست‌رفته مانع از بروز جامعه‌ای ایدئال می‌شود که زنان بتوانند در آن به رشد و شکوفایی برسند.

## References

- Adorno, T. (2007). *Translated by Wilson, Roos, Taylor and Francis*. e-library.
- Ahmadi, B. (2012). *Truth in beauty, art philosophy lessons* (24<sup>th</sup> Ed.). Tehran: Markaz. (In Persian)
- Ahmadi, B. (2001). *Modernity and critical thought*. Tehran: Center. (In Persian)
- Ahmadi, B. (2007). *The memories of darkness (about three thinkers of the Frankfurt school)* (3<sup>rd</sup> Ed.). Third edition, Tehran: Center. (In Persian)
- Al-Haidari, I. (2003). *The Patriarchal System and the Problem of Sex*



- among Arabs*. Lebanon: Dar Al-Saqi. (In Arabic)
- Al-Naas, M. (2021). *Bread on Uncle Milad's table* (4<sup>th</sup> Ed.). Tunisia: Maskiliani. (In Arabic)
- Al-Tahtawi, R. (1973). *Complete Works*. Beirut: Al-Mawssa Al-Arabiyya. (In Arabic)
- Amin, Q. (No date). *Complete Works*. Edited by: M. Amara. Egypt: Dar Al-Shorouk. (In Persian)
- Benjamin, W., Aderno, T., & Marcuse, H. (2004). *Critical aesthetics* (2<sup>nd</sup> Ed.). Translated by: O. Mehrgan. Tehran: Gam-e No. (In Persian)
- Anonymous (2002). Frankfurt art criticism. *Research Journal of Art Academy*, 10, 41-62. (In Persian)
- Bottommore, T. (1996). *Frankfurt School*. Translated by: H. A. Nowzri. Tehran: Ney. (In Persian)
- Ebrahimi, M., Amiri, J., & Amiri, M. M. (2006). Frankfurt School (critical theory, opinions and theories). *Journal of Social Sciences*, 1(4), 66-86. (In Persian)
- Eduardo, M. (2005). *The Frankfurt school on religion*, Routledge.
- Ezzedine, Y. (2007). *Renewal in Modern Arabic Poetry* (2<sup>nd</sup> Ed.). Damascus: Dar Al-Mada for Culture and Publishing. (In Arabic)
- Fouladi, M. (2021). Analysis of the social position of women in Reza Brahini's novels based on the theory of critical aesthetics of the Frankfurt school. *Journal of Fiction Literature*, 4, 130-155. (In Persian). DOI: 10.22126/RP.2021.6177.1309.
- Heydari, A. A. (2008). Negative art in the opinion of Theodore Aderno. *Research Journal of Art Academy*, 10, 63-81. (In Persian)
- Khosravi, K. (2013). Examining and explaining the position of women in Najib al-Kilani's narratives. *Women's Research Journal, Research Institute of Humanities and Cultural Studies*, 5(2), 23-46. (In Persian)
- Cusset, Y., & Haber, S. (2006). *Vocabulary of the Frankfurt School*. Translated by: A. Jahandideh. Tehran: Ney. (In Persian)
- Marcuse, H. (2009). *The dimension of aesthetics* (4<sup>th</sup> Ed.). Translated by: D. Mehrjouei. Tehran: Hermes. (In Persian)
- Marcuse, H. (2009). *A speech in liberation* (2<sup>nd</sup> Ed.). Translated by: M. Ketabi. Abadan: Porsesh. (In Persian)
- Marcuse, H. (1983). *One-Sahed Man* (3<sup>rd</sup> Ed.). Translated by: M. Moayidi. Tehran: Amirkabir. (In Persian)
- Maryami, E., & Heydarian Shahri, A. (2022). Representing the position of

- women in the traditional society in Miral Al Tahawi's novels; Al-Khaba and Naqrat al-Dhaba. *Arabic Language and Literature*, 14(2), 35-50. (In Persian) DOI: 10.22067/jallv14.i2.80842.
- Mirza Mohammadnia, F., Assadi, M. A., & Youssef Pham, A. (2019). Examining Shamlu's poems with the help of critical aesthetic theory. *Azad Persian Language and Literature Journal*, 12, 178-202. (In Persian) DOI: 20.1001.1.2008899.1399.12.43.9.5.
- Moghadami, M., Gholamhosseinzadeh, Gh., Dari, N., & Zulfiqari, H. (2017). Criticism of women-oriented literary researches. *Literary Researches*, 15(61), 152-133. (In Persian) DOI: 20.1001.1.17352932.1397.15.61.5.3.
- Nowzari, H. A. (2005). *Frankfurt school critical theory in social sciences and humanities*. Tehran: Agah. (In Persian)
- Nowzari, H. A. (2016). *Rereading Habermas* (2<sup>nd</sup> Ed.). Tehran: Sarcheshme. (In Persian)
- Radwan, A. (1999). *A Study in the Sociology of the Arabic Novel*. Amman: Al-Yazouri Scientific Publishing and Distribution House. (In Arabic)
- Sabouri, P. (2017). Against symbolic violence, criticism of modern culture from the perspective of Herbert Marcuse and Pierre Bourdieu. *Social Science Educational Development*, 20(76), 58-61. (In Persian)
- Saleh, S. (1998). Narrative Issues in the Contemporary Arabic Novel. *PhD thesis*. Damascus University. (In Arabic)
- Salehi, P. (2019). The social position of women in the novels Hushur Ahokhanam and Zakira al-Jasat. *Scientific Journal of Women and Culture*, 12(46), 45-56. (In Persian)
- Shahandeh, N. (2009). Investigating the nature of art in the Frankfurt School with an emphasis on Adorno's opinions. *PhD dissertation*. under the guidance of Hossein Ali Nozari, Tehran: Allameh Tabatabai University. (In Persian)
- Sohrabi, T., Maarouf, Y., & Ahmadi, M. N. (2023). The use of code in the poetry of Khazal Al-Majdi and Nasim Shamal based on aesthetic theory. *Comparative Literature Research*, 12(1), 107-130. (In Persian). DOI: 10.22126/JCCL.2021.6516.2266.
- Vakili Noushabadi, Z., Najafi Ayuki, A., Babaeifard, E., & Jalali, M. (2019). Critical aesthetics of Adonis's poems based on the Frankfurt school. *Contemporary Arabic Literature Review*, 10(19), 77-103. (In Persian). DOI: 10.22034/MCAL.2021.12391.1921
- Zuidervaart, L. (1993). *Adorno's Aesthetic Theory: the Redemption of Illusion*.